دور و نزدیک

قطعنامه درباره سوریه تصویب شد

● **شینهوا:** اعضای شورای امنیت سازمان‌ملل به اتفاق آرا قطعنامه‌ای را با هدف ازبین‌بردن تسلیحات شیمیایی سوریه تصویب کردند. پیش از آن سازمان منع تسلیحات شیمیایی برای ازبین‌بردن زرادخانه تسلیحات شیمیایی سوریه تا اواسط سال ۲۰۱۴ توافق کرد. در این قطعنامه الزام‌آور جدید شورای امنیت سازمان‌ملل هیچ‌کدام از طرفین درگیر به استفاده از تسلیحات شیمیایی در سوریه متهم نشده‌اند. «بان‌کی‌مون»، دبیرکل سازمان‌ملل قطعنامه شورای امنیت را تاریخی خواند. او گفت: جامعه جهانی به وظیفه خود عمل کرده است. همچنین سفیر سوریه در سازمان‌ملل گفت این قطعنامه اغلب نگرانی‌های دمشق را برطرف کرده است. این درحالی است که سازمان‌ملل اعلام کرد، تیم کارشناسان تحقیقاتی سلاح‌های شیمیایی این سازمان روز دوشنبه کار خود را در سوریه به پایان می‌رساند و تیم بازرسان سازمان منع تسلیحات شیمیایی اول اکتبر و بلافاصله پس از پایان کار بازرسان سازمان‌ملل وارد دمشق خواهند شد. در خبری دیگر تمیم بن حمد آل‌ثانی، امیر قطر روز جمعه در سفری ازپیش‌اعلام‌نشده به استانبول رفت و با رجب طیب اردوغان درباره تحولات سوریه بحث کرد.

موافقت ائتلاف حاکم تونس با انحلال کابینه

● **ایسنا:** منابع نزدیک به مخالفان تونس اعلام کردند، ائتلاف حاکم این کشور با انحلال دولت موافقت کرد. یکی از مسوولان اتحادیه مشاغل تونس گفت: ائتلاف حاکم تونس موافقت کرده تا بر اساس نقشه راه پیشنهادی، دولت را منحل کند. به گفته این عضو اتحادیه مشاغل تونس انحلال دولت پس از مذاکرات با گروه‌های سکولار تونسی که مخالف انحصار قدرت به‌نفع اسلامگرایان هستند، اتخاذ خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

چالش هیجان‌گرایی در دیپلماسی

تحلیل سخنان و ماموریت دیپلماتیک تیم آقای دکتر روحانی در نیویورک نشان می‌دهد که برنامه کلان سیاست خارجی وی و همچنین برنامه مذاکرات هسته‌ای این دولت نوعی بازگشت به روند شکل‌گرفته‌شده در دولت‌های آقای هاشمی و آقای خاتمی است. از این منظر هرچند می‌توان گفت که از نظر محتوایی، سیاست خارجی دولت فعلی همان تامین منافع و آرمان‌های ملی در چارچوب رویه‌ها و واقعیت‌های تثبیت‌شده است. اگر سیاست خارجی آقای هاشمی با برخی مخالفت‌های جناح‌های تندرو داخلی روبه‌رو بود و آن را انحرافی از مسیر انقلاب می‌دانست، هم‌اکنون به دلیل هزینه‌های زیادی که سیاست خارجی دولت آقای احمدی‌نژاد به بار آورد، ابتکار آقای دکتر روحانی با حمایت گسترده‌تر داخلی روبه‌روست.

ب: تاکید بر موضوعات مشترک جهانی تا موضوعات اختلاف‌زا (طرح Wave) در تامین منافع ملی: یکی از ظرافت‌های دیپلماسی، تامین منافع ملی کشور در راستای رویه‌ها و تصمیمات جهانی است. طرح Wave یا جهان علیه خشونت و افراط‌گرایی (World Against Violence and Extermism) یکی از ابتکارات دکتر روحانی و تیم دیپلماتیک وی با تاکید بر منافع مشترک جهانی و البته در راستای منافع ملی کشور است. دکتر روحانی با این ابتکار در حقیقت جبهه اصلی مخالف دولت سوریه – جبهه النصره وابسته به القاعده- را با استفاده از فضای ضدجنگ جهانی مورد آماج حملات خود قرار داد. این درحالی است که انعکاس خبری بسیاری از رفتارهای انزجارآور گروه‌های سلفی در قتل دردناک بسیاری از مردم – به بهانه‌های طرفداری از حکومت حاکم- در سطح رسانه‌های تصویری جهانی سبب شده است که جامعه بین‌المللی نسبت به گسترش خشونت و افراط‌گرایی در سوریه حساس شوند زیرا به‌نظر آنها، تجربه دردناک طالبان در افغانستان، آینده محتوم سوریه در صورت سرنگونی رژیم بشار اسد است. از این منظر، طرح Wave ابتکاری هوشمندانه برای تضعیف ابزارهای قدرت رقبای منطقه ایران در بحران سوریه است.

پ: نگاه چندبعدی به قدرت و توجه به همه نهادها و موضوعات تاثیرگذار: پیچیدگی روابط قدرت نشان می‌دهد دولتمردان دیگر نمی‌توانند بر اساس ابعاد سخت‌افزاری قدرت (ابعاد نظامی) به پیگیری منافع خود اقدام کنند. بلکه ابعاد نرم‌افزاری و جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و مشروعیت‌ساز قدرت نیز تاثیر بسزا و گاها افزون‌تری در تعیین سیاست‌ها و برنامه‌ها پیدا می‌کنند. دکتر روحانی نه‌تنها به دیدار ایرانیان مقیم خارج کشور شتافت، بلکه در جمع اندیشکده ایالات‌متحده نیز به تبیین مواضع جدید ایران پرداخت. وی نه‌تنها در بعد مشروعیت‌ساز به دیدارهای دیپلماتیک با کشورهای جنوب اهمیت داد، بلکه واقعیت‌های سلسله‌مراتب قدرت بین‌المللی را نیز فراموش نکرد و با سران ایتالیا، فرانسه و دیگر کشورهای مهم بین‌المللی نیز دیدار داشت. وی هم از حق مشروع غنی‌سازی ایران دفاع و هم سعی کرد با بیان آمادگی ایران در رفع هرگونه نگرانی غرب از انحراف احتمالی برنامه غنی‌سازی خود به خنثی کردن توطئه صهیونیست‌ها بپردازد.

فرجام سخن: به‌رغم هشدار وزیر خوش‌فکر و پرتلاش وزارت امورخارجه آقای دکتر ظریف که «مشکلات انباشته‌شده در بیش از سه‌دهه گذشته، یک‌شبه حل نمی‌شود»، به‌نظر می‌رسد که ممکن است مسیر دیپلماتیک تیم دکتر روحانی با یک آسیب‌شناسی روبه‌رو شود؛ و آن انتظار حل فوری همه مشکلات روابط با ایالات‌متحده از دولت است. این انتظار قطعا با واقعیت‌های موجود سازگار نیست؛ حل اختلافات باید طی روندها و رویه‌های گفت‌وگویی – احتمالا زمانبر- انجام پذیرد. بنابراین ضروری است که با مدیریت انتظارات، از بروز مجدد هیجان‌گرایی در سیاست خارجی جلوگیری شود. به هرحال، در مجموع می‌توان گفت ریل سیاست خارجی ایران خوشبختانه به مسیر درست خود که همان آرمانگرایی واقع‌گرا است، بازگشته که می‌تواند نویدبخش شکل‌گیری فضای بهتری در تعاملات ایران با جهان شود.

جیمی کارتر

نتانیاهو

جورج بوش

جان.اف.کندی

مروری بر تماس‌های تلفنی خبرساز رهبران دنیا

زنگ‌ها برای که به صدا در می‌آیند؟

شرق: یک تماس تلفنی ساده می‌تواند ورق تاریخ سیاست را در جهتی دیگر برگرداند. جنگی را رقم بزند، از جنگ دیگری جلوگیری کند، آبروی سیاستمداری را ببرد یا کورسوی امیدی را در دل‌ها روشن کند. نمونه‌های چنین مکالمه‌هایی بی‌شمارند. از «تلفن سرخ» روسیه و مسکو گرفته تا تماس هیجان‌انگیز نیکسون با آرمسترانگ روی ماه و تماس دیگری که دودمان ریچارد نیکسون را بر باد داد. «شرق» در گزارش پیش‌رو شماری از به‌یادماندنی‌ترین تماس‌های اینچنینی را به شما یادآوری می‌کند.

۱۹۶۲: تماسی با محوریت بحران موشکی کوبا

در سال ۱۹۶۲ جهان تا نزدیکی جنگی هسته‌ای رفت اما یک تماس تلفنی ورق را برگرداند و به‌سمت صلح سوق داد. این اتفاق زمانی رخ داد که اتحاد جماهیر شوروی موشک‌های هسته‌ای خود را با هدف مقابله با حمله احتمالی ایالات‌متحده در کوبا قرار داد. در آن زمان بحران‌ها بالا گرفته بود و آمریکایی‌ها و روس‌ها در شرایط مکالمه با هم نبودند. آمریکایی‌ها تقریبا با هدف قراردادن و نابودی زیردریایی روسی حاوی کلاهکی که برای کوبا بود، شروع یک جنگ هسته‌ای تمام‌عیار را از دست داده بودند. اما ۲۶ اکتبر ۱۹۶۲ رابرت اف کندی، دادستان کل آمریکا با برادرش جان‌اف کندی تماس گرفت و طرح صلحی با شوروی را پیشنهاد داد که بر اساس آن ایالات‌متحده موشک‌هایش را از ترکیه خارج کند. بعد از این مکالمه روسیه با خروج موشک‌هایش از کوبا موافقت کرد و چند روز بعد از آن هم ایالات‌متحده موشک‌هایش را از ترکیه خارج کرد.

۱۹۶۷: خط داغ افتتاح شد

در زمان جنگ شش‌روزه اعراب و اسراییل در سال ۱۹۶۷ از خط تلفن سرخ استفاده شد. در این جنگ روس‌ها در تماسی با آمریکا از آنها خواستند تا به اسراییل فشار آورد تا جنگ را تمام کند. در این زمان نزدیک به ۲۰ پیغام میان الکسی گاسیگین نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی و روبرت مک‌نامارا وزیردفاع آمریکا ردوبدل شد. این دونفر مسوولیت جنگ را برعهده داشتند. این خط داغ که به خط تلفن سرخ شهرت یافته است، کاخ کرملین در مسکو را به کاخ‌سفید در آمریکا مرتبط می‌کند. خط تلفن سرخ پس از بحران کوبا برقرار شد و دو کشور ابرقدرت جهان را به جنگ هسته‌ای کشاند. طی این بحران، جان‌اف کندی، رییس‌جمهور آمریکا و نیکیتا خروشچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی ناچار بودند از طریق واسطه با یکدیگر گفت‌وگو کنند. این خط تلفن که روس‌ها آن را تلفن سرخ می‌نامند، از یادگارهای جنگ سرد است که آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در ژوئن ۱۹۶۳ برای ارتباط مستقیم با یکدیگر به توافق رسیدند.

۱۹۶۹: تماس نیکسون با آرمسترانگ، روی سطح ماه

قرارگرفتن نیل آرمسترانگ بر سطح ماه در تاریخ ۲۰ژوییه ۱۹۶۹ یکی از دستاوردهای مهم تاریخ بود؛ «قدمی کوچک برای انسان و جهشی بزرگ برای بشریت.» برای اولین‌بار یک انسان از جو زمین بالاتر رفته و به سلامت بر روی سطح یکی از اجرام آسمانی قرار گرفته بود. اما چه راهی بهتر از یک تماس تلفنی برای دنبال‌کردن این اتفاق مهم. در همان روز پرزیدنت ریچارد نیکسون از کاخ‌سفید با آرمسترانگ که غیرممکن را ممکن کرده بود، تماس گرفت و این موفقیت را به او تبریک گفت. با این تماس تلفنی به ماه ایده دسترسی به تلفنی همگانی و جهانی معنایی کاملا جدید پیدا کرد. با پخش این تماس تلفنی از تلویزیون، این مکالمه به یکی از معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین تماس‌های همه دوران‌ها تبدیل شد.

۱۹۷۲: تماس تاریخی‌ای که منجر به افشای سرقت از واترگیت شد

در تاریخ ۱۷ژوئن ۱۹۷۲ اتفاقی تاریخی در مجتمع واترگیت در مقر کمیته ملی حزب دموکرات رخ داد. سرقت از این مجتمع سلسله‌ای از وقایع را به دنبال داشت که درنهایت به اولین و تنها استعفای ریاست‌جمهوری تاریخ ایالات‌متحده منجر شد. باب وودوارد و کارل برنشتاین با انتشار مقالاتی در روزنامه واشنگتن پست این رسوایی را پوشش دادند و پس از این پوشش خبری ریچارد نیکسون در روز ۹ آگوست ۱۹۷۳ بی‌درنگ استعفای خود را اعلام کرد. نیکسون پس از آنکه فهمید کنگره به استیضاح او رای خواهد داد، از سمت خود کناره‌گیری کرد تا تنها رییس‌جمهور تاریخ آمریکا نام بگیرد که از مقامش استعفا کرده است. اما سوال این بود که این دو خبرنگار اطلاعات این مقالات را از کجا به دست آوردند. اطلاعات از طریق یک تماس تلفنی به دست آمده بود. در ۱۹ژوئن ۱۹۷۲ خبرچینی به نام مارک فلت با باب وودوارد تماس گرفت و از او خواست که حادثه دزدی از واترگیت را با دقت بیشتری پیگیری کنند. خبرنگاران واشنگتن‌پست هیچ‌وقت نام مارک فلت را فاش نکردند و همیشه او را به‌عنوان خبرچین گمنام معرفی می‌کردند اما مارک فلت در سال۲۰۰۵ اعتراف کرد که درواقع او این افشاگری‌ها را انجام داده است.

۲۰۰۱: این‌بار پوتین با بوش پسر حرف می‌زند

۱۱سپتامبر ۲۰۰۱: ولادیمیر پوتین رییس‌جمهور روسیه در جریان حادثه ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱ به منظور ابراز همدردی با جورج بوش پسر تماس گرفت. از این تماس که از طریق خط سرخ صورت گرفت به‌عنوان نمونه موفق دیالوگ سازنده یاد می‌کنند. پس از آن مذاکرات همکاری در فعالیت ضد تروریستی دو کشور فعال‌تر شد. جورج بوش هم در این تماس تلفنی گفت: پوتین اولین رهبر خارجی بود که در این حادثه با من ابراز همدردی کرد و این حادثه را به من تسلیت گفت. بوش گفت: پوتین در این مکالمه تلفنی از آمادگی خود با آمریکا برای مبارزه با تروریسم خبر داده است.

۲۰۱۳: تلفنی برای صلح

بی‌گمان می‌توان تماس تلفنی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم اسراییل با محمود عباس رییس تشکیلات خودگردان فلسطین را یکی از مهم‌ترین تماس‌ها توصیف کرد. نتانیاهو که به‌مناسبت تبریک ماه‌رمضان به عباس با او تماس گرفته بود از مذاکرات صلح استقبال کرده و گفته بود امیدوار است تا دو طرف بتوانند مذاکرات مربوط به صلح را از سر گیرند. مذاکرات صلح دوطرف که از سال ۲۰۱۰ و بر سر ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه باختری رود اردن متوقف شد با رایزنی‌های جان کری پیشرفت بهتری داشت. شاید بتوان آزادی اسیران فلسطینی را یکی از مهم‌ترین تلاش‌های جان کری و دستگاه وزارت‌خارجه آمریکا در روند مذاکرات صلح دانست. چند روز پس از این تماس شیمون پرز رییس رژیم اسراییل با عباس تلفنی گفت‌وگو کرد و تصمیم او برای بازگشت به میز مذاکرات را ستود. شیمون پرز به عباس گفت: به حرف کسانی که شک و تردید ایجاد می‌کنند، گوش نکن، تو و نتانیاهو کار درستی انجام دادید.

بازداشت رهبر نئونازی «سپیده زرین»

«نیکوس میخالولیاکوس»، رهبر حزب راست افراطی «سپیده زرین» در یونان به اتهام ایجاد تشکیلاتی تبهکار بازداشت شد. علاوه بر او ۹ عضو دیگر این حزب، از جمله سه‌نفر از نمایندگان مجلس یونان بازداشت شده‌اند. «ایلیاس کاسیدیاریس»، سخنگوی سپیده زرین نیز در میان بازداشت‌شدگان است. **(ایسنا)**

افشای اسرار خانوادگی

«لولا کریموا تیلی یوا»، دختر اسلام کریم‌اف، از اختلافات بسیار در خانواده‌شان که یکی از سرشناس‌ترین خانواده‌های حاکم در آسیای میانه است، پرده برداشت. او گفت: «من و خواهرم ۱۲سال است که با هم حرف نمی‌زنیم و بین ما هیچ رابطه خانوادگی یا دوستانه وجود ندارد.» **(بی‌بی‌سی)**

راهی جز اصلاحات اقتصادی نیست

دیمیتری مدودف، نخست‌وزیر روسیه گفت اگر کرملین اصلاحات اساسی برای تقویت رشد درازمدت را انجام ندهد، خطر سقوط به ورطه مشکلات وجود دارد. او در مقاله‌ای تلاش کرد چهره خود را به‌عنوان حامی اصلاحات اقتصادی نشان دهد. مدودف نوشت: زمان تصمیم‌گیری‌های ساده گذشته است. **(خبرگزاری فرانسه)**

گزارش

کیسینجر هستم آقای رییس‌جمهور!

سیاوش رزمند

● معمار سیاست‌های دوران فورد - نیکسون، رفیق شاه ایران و مابقی ژنرال‌هایی که خواه تاج سلطنت بر سر داشتند یا رخت ریاست‌جمهوری برتن، از آن دست شخصیت‌هایی است که انگار از دنیای آلیس در سرزمین عجایب کارول بیرون جهیده و سکان سیاست خارجی آمریکا را به دست گرفته است. متن تماس‌های کیسینجر با دیگر مقامات داخلی یا خارجی احتمالا هنوز هم مشمول ماژیک‌های مشکی آرشیو امنیت ملی است. ویتنام را نمونه بگیریم و مثالی بزنیم از ۱۵ آوریل ۱۹۷۲:

نیکسون: البته، تو خیلی خوب می‌دانی که جانسون آنها (ویتنامی‌ها را) را برای سال‌ها بمباران کرد و هیچ پیشرفتی حاصل نشد.

کیسینجر: ولی آقای رییس‌جمهور، جانسون هیچ‌گاه استراتژی مشخصی نداشت. او فقط داشت قضیه را جمع می‌کرد. او با ۵۰ هواپیما آنجا رفت، شاید هم ۲۰ تا. من به شما قول می‌دهم ما در یک روز بیشتر از یک ماه آنها (دموکرات‌ها) در آنجا هواپیما خواهیم داشت.

نیکسون: جدا؟

کیسینجر: بله!

آنچه بحث نیکسون بود شکست بمباران نیروهای هوشی مین در گذشته بود که عملا آمریکا را از مخمصه خارج نکرده بود و ویت کنگ‌ها دست از مقاومت نکشیده بودند. اما این کیسینجر بود که محکم سخن از شخم‌زدن‌های سینماتیکی می‌گفت که اینک آخرالزمان فورد کاپولا تازه پایش را روی زمین سالن‌های سینما گذاشت در همان سالی که شاه ایران، دوست کیسینجر به زیر افتاد. تفکر کیسینجری سیاست دست‌راستی برهنه‌ای بود که خون از دیوارهای سانتیاگو جاری کرد و به اصطلاح آن روزها چپ زنی را پرچمی کرد برای رهبران خودکامه‌ای که از بودجه بهداشت و آموزش می‌زدند تا تام کت‌های آمریکایی بخرند. ارتش‌هایی علیه امپراتوری سرخ! کیسینجر را بسیاری ستوده‌اند و نبوغ سیاسی‌اش را نقشه سیاست جنگ سرد دانسته‌اند. اما راکفلر دنیای سیاست را از قدم‌هایش روی دیوار چین به یاد می‌آوریم و دست دوستی‌ای که به سوی خونتا، فاشیست‌های لاتینی دراز کرد. ۱۹۷۴ فورد کاپولا مکالمه‌ای را ساخت که حرف از شنود و تماس‌های تلفنی بود. شنودی که نیکسون را در قضیه واترگیت خانه‌نشین کرد. جنگ سرد به پایان رسید و اتحاد شوروی بدون هیچ‌یک از موشک‌های بالستیک فرو ریخت. کیسینجر ۹۰ساله در کهنسالی‌اش امروز مترادف است با ویتنام، ایران، لایوس، آرژانتین و جام‌های سلامتی چینی در پکن مایو تسه تونگ!

«خط سرخ» پنجاه ساله شد

ترجمه: نگار حسینی

«خط داغ یا خط سرخ راه‌اندازی شد تا داغی احساسات به شعله‌ور شدن بحران‌ها منجر نشود. نوشتن، با حذف بخشی از احساسات، می‌تواند فضا را آرام‌تر کند و البته که خط داغ به‌واقع یک خط صوتی نبود، یک امکان نوشتاری یا تلکس بود. امکانی که در آغاز راه‌اندازی، ابتدایی بود و البته هنوز هم هست. این جمله‌ای است که «جک متلوک»، سفیر اسبق ایالات متحده آمریکا در اتحاد جماهیر شوروی در ۵۰سالگی خط داغ میان واشنگتن و کرملین می‌گوید. «خط داغ» میان کاخ سفید و کرملین، سپتامبر امسال ۵۰ساله شد. زمانی که کندی، رییس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا و و «نیکیتا خروشچف»، همتای روس او به این نتیجه رسیدند برای ارتباط دو ابرقدرت در زمان‌های بحرانی و لحظات اورژانسی یک خط مستقیم نیاز است. در سال ۱۹۶۳ اما تصویری که از خط داغ در فیلم‌ها و داستان‌ها نمایش داده می‌شد، واقعی نبود. این خط درواقع یک تلکس برای نوشتن پیغام بود نه یک تماس تلفنی واقعی. اما راه‌اندازی خط داغ به پیش از سال ۱۹۶۳ برمی‌گردد. درواقع ایده راه‌اندازی چنین سازوکاری در جریان بحران موشکی کوبا به وجود آمد، بحرانی که می‌توانست جهان را به سمت یک جنگ هسته‌ای پیش ببرد. «جک ماتلوک»، می‌گوید: به یاد می‌آورم فرآیند مبادله پیام میان دو رهبر قبل از این، یک فرآیند گسترده و کسل‌کننده بود با این توضیح که: «برای ترجمه یک پیغام رسیده باید دوساعت زمان در نظر گرفته و البته همه‌چیز کنترل می‌شد، بعد از آن باید این به شکل تلگراف درمی‌آمد و رمزگشایی می‌شد و در نهایت منتقل می‌شد.» کندی، رییس‌جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا از این فرآیند طولانی‌مدت عصبانی بود، بنابراین به این نتیجه رسید که به فرآیندی فوری‌تر برای تبادل پیام میان دو رهبر نیاز است. در نهایت توافق‌ها حاصل و خط داغ در سی‌ام آگوست ۱۹۶۳ راه‌اندازی شد. متلوک می‌گوید: «این خط تنها در زمانی استفاده می‌شد که مورد فوری همچون بحران اتمی درمیان بود و طرف مقابل باید ظرف چند لحظه پیام را دریافت می‌کرد.» با وجودی که خط داغ در سال ۱۹۶۳ ایجاد شد، اما تا زمانی که در سال ۱۹۶۷ رییس‌جمهوری «لیندون جانسون» در جریان جنگ شش‌روزه اسراییل و همسایگانش از آن استفاده کرد، مورد استفاده قرار نگرفت. «هال ساندرس»، متخصص خاورمیانه و مشاور رییس‌جمهوری ایالات متحده درباره پیام رسیده در این جنگ می‌گوید: «پیغامی در ساعت ۷:۳۵ صبح رسید که در آن اشاره شده بود جنگ نیمه‌شب به شکست انجامیده است. این پیغام در عرض یک ساعت پاسخ داده شد. بنابراین در عرض یک بازه زمانی دو ساعته شما می‌توانستید یک پیغام و پاسخ آن را داشته باشید.» البته در مقایسه با استانداردهای امروزی به نظر می‌رسد یک ساعت برای پاسخ‌دهی، زمانی طولانی است، اما باید پذیرفت که در آن زمان این یک اتفاق خارق‌العاده در زمینه ایجاد ارتباط بوده است. ساندرس معتقد است که وجود خط داغ در سال ۱۹۶۷ مانع از ایجاد یک برخورد بالقوه میان دو ابرقدرت جهانی بوده است با این توضیح که: «ما معمولا در مورد خاورمیانه نگران بودیم. هر مناقشه‌ای در این منطقه می‌توانست دو ابرقدرت را درگیر یک جنگ هسته‌ای کند. ممکن است در حال حاضر و در دوران شکوفایی فناوری، استفاده از چنین امکانی برای ارتباط میان دو رهبر اندکی غیرقابل توجیه باشد اما باید توجه داشت که هنوز هم ارتباط میان دو رهبر به‌سادگی انجام نمی‌شود و لازم است در مورد آن ملاحظاتی انجام شود.» به گفته «جک ماتلوک»، با در نظر گرفتن این واقعیت که ایالات متحده آمریکا و روسیه هنوز بزرگ‌ترین قدرت‌های هسته‌ای دنیا هستند و البته با دانستن اینکه هر دو این ابرقدرت، موشک‌هایشان را در حالت آماده‌باش نگاه می‌دارند، این خط داغ امکانی است که در موقعیت‌های غیرعادی از آن استفاده شود. اما در جایی که تنش‌های میان ایالات متحده آمریکا و روسیه تا امروز ادامه داشته است، مشخص نیست که چطور هنوز هم این خط داغ می‌تواند در مورد مساله سوریه مورد استفاده قرار گیرد. متخصصان معتقدند این می‌تواند یکی از دلایلی باشد که صلح میان دو ابرقدرت شرق و غرب، پنج دهه ادامه داشته است.

منبع: PRI

عکس روز

چهل و سومین سالگرد درگذشت جمال عبدالناصر در حالی سپری شد که بسیاری عبدالفتاح السیسی را به او تشبیه می‌کنند. امری که سیسی نیز به آن راغب است.